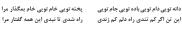


این تن اگر کم تندی راه دلم کم زندی







مىسوزندتابسازند؛كارىكنيم

ساختمان ۶ طبقه در شرق تهران سقوط کردو جان باخت. به گزارش ایلنا، روز شنبه (۱۹مهر)، جان باحث به خرارش اینکا، روز سنبه (۱۸ مهره)، یک کار گر ساختمانی به نام «باقی-ع» هنگام گوچ کاری دیواره اسانسور در ساختمانی واقع در درسرق تهران بعدلیسل رعابتنشدن اصول ایمنی تعادلش را از دست داد و از طبقه ششم به ته چاله اسانسور سقوط کرد جسد این کارگر ۲۷ساله که در چاهک آسانسور افتاده بود، توسط گروههای امداد و نجات به بیرون انتقال پیدا کرد. فير بالااتفاق جديدي نيست. بارها شنيده شده

یک کارگر ساختمانی هنگام انجام کار در یک واحتمالا از این به بعد هم شنیده می شود. با این وجودخبربازهم تكان دهنده اسد ر برر برر برار این استاختمانی به خاطر فراهم بُودن امکانات لازم امنیتی از دست می روند. این کارگران کسانی هســتند که کار با ریسک بالا را بذير فتهاندو فعلاهم قرار نيست تص پ بر برای کمشـدن ریسک در کارشــان اتخاذ شود. خبر تلخ است و اشک آدم را درمیآورد. بهراستی نمی خواهیم دست به یک اقسدام جدی عملی بزنيم؟ جان كار گرانمان، جان كار گران جوانمان



۱ - بی اقبالی و سردی نسبت به کتاب و کتابخوانی خاصه میان جوانان از ابعاد و عوامل بسیاری برخوردار است. هر کوششـــی در این میان برای شناسایی این عوامل، گشاینده راهی خواهدشد که بتون چارههای موثری برای شد کتابخوانی جست وجو کرد. مهم آن سوری بوری سند سینورسی بست و بو در سیههان است که نباید جامعه فکری وروشنفکری سپر بیندازد وازچاره جویی عقب بنشیند؛ به تعبیری آب دریارا اگر نتوان کشیدهم به قدر تشنگی باید چشید.

نتوان نشیدههیهفتر نشنگی بایدچشید. به بهانه کوششی خرد، این مقاله به یکی از عللی که به بیرونقی کتابخوانی منجر شده است، نظر می اندازد مطرحهر پرسشی اگر سنجیده صورت گیرد. می تواند در زمینه پاسخ به رشد کتابخوانی تأثیر گذارد

عمومی، عموما و البته دایما در قالب ابزارهایی خودنمایی می کند که با خود جبر سرعت و کوتاهی پیام را در قالب تنوع بر رسانه ها تحمیل میسازد. اکنون رسانه هااز تسرس از دست دادن مخاطبان مجبورند به این جبرتن بسپارند. کوتاه کردن مطالب و تنوع بُخشيدن به أنهار آهي براي بقاي رسانه هانزدنگاه



به کانال دیگر پرتاب شـود و در این پرتابشدگی از سرمایه حوصلهاش دایماکاسته می شود. ر ـ یـ حوست یعه ناستهی سود. سـهل اسـت که در این کهکشان، رسـانه کتاب نمی تواند جایگاهر فیعی بیلد، بلکهمسأله این است که آیااصلاج ایی برای کتاب باقی خواهدماندیانه؟روشن گری است را و یافتن به این ایدمها متکی است بر خلاقیت و قسدرت تخیل خواننده بینت خواننده کتاب از طریق وقت و تخیلش که نیازمند طمانیته و حوصله است بر موضوع کتاب اشراف و آشنایی می پیاد بررسسی استدلال ها و مسیر تدریحی عبور از مقدمات به نتایج و تاملی سرور مددلیل آوری هاید که در لایه لای سطور کتاب مطرح می شوند، همگی نیازمند سلوکی تدریجی است که خواننده ر امانند و یک مسافر پس از طی مسافتی که عموماً کو تاه نیست به مقصدی رساند روند تدریجی انس خواننده با کتاب به مدد ابزار دفت، تخیل و صبوری باوسایل و ابزارهای

. مسلط دیجیتالی میان کاربران دربسیاری از اشکالش ناهمخوان و گاهی بسیار بیگانهاست. ناهمجوانی داخی بسیار پیدانادست. ۳- جوانسی که غیرق در بازی هـــای رایانـــهای و و کارش در کاربرد این وســـایل از تفریح و سرگرمی فراتر میرود و به نوعی از اعتیاد و دابستگی و اشتغال دایم بدل می شـــود، دیگر یک کاربر عادی محسوب دایم بدل می شـــود، دیگر یک کاربر عادی محسوب

رسانه اگر کاربری به آنها اعتیاد پیدا کند، دیگر یک اُبزار رام و مُطیع نُخواهند بود. موجودات سر کشیی میشوند که به شیارها و عادات ذهنی کاربر شکل و فاعدهمي بخشند ازجمله ذهن معتادو كاربر راچنان سرعت گرفتن پیام و تصاویر خود عادت به عنوی و مسرطت درجین پیم و مسویر خودهای میدهند که دیگر چنین ذهنــی برایش همنوایی با فضای رسانه کتاب بسیار سخت و دشوار خواهد شد. تسای رسته عنابیسیار ساعت ونسور عونمانسد. ســرعت خواهی و تنوعطلبی ذهــن کاربر، قدرت تخیل و توان بازســازی اســتدلال و دنبــال کردن یک موضوع منسـجم در زمانی نسـبتا بلند را دچار رکود و فرسـایش می کند، کاربر معتاد به تجهیزات

وُ رسُـانههای دیجیتالی در برابُر رسـانه کتاب تنگ حوصلهاستو کتاب برایش جذاب نیست. اگر چنین شخصی مجبور به تحمل فضایی مانند رسانه کتاب باشد، دچار خواب آلودگی و خمیازه می شود. یعنی ارتباطش بامحیط کتاب قطع می شود. عادت به فعالیتُ تکراری با ابزار و آلات دیجیتال ذهُن را به کلیشه معتاد و مبتلا می سازد. از طریق سرعت نصاویر و مطالب که از حلو منظر و نگاه کار پر می گذرد، موقعیت تکرار شونده و کلیشــهوار پوشانده و پنهان میشود. اعتیاد به فضای کلیشـه و تکرار و خو کردن باتعدد مطالب و تصاوير كوتاه وناپيوسته، جهان آكنده و مماسو از فريمها (Frame) و قطعات پراكنده ەوجودمى آورد.

. ـ اخته از فریمها و قابهـای بی ارتباط ومنقطع، توان فسرد را بر ارتباط و فسرم (From) بخشیدن به فریمهارا کاهش میدهد. دهن پراکنده وآکندهاز فریمهای منقطع از قدرت خلاقه و تخیل که عامل فرم دهنده به پراکندگی هاست محروم و بیگانه می شود و این قوای مهم در او روبه نزول و نقصان می گذارد. توان فرم بخشی قابلیت ارتباط و مفاهمه با

دیگران و خروج از انزوا و بیرون آمدن از جهان یی ربط ـته اسـت. ذهن منقطع و پراکنده، جهان را ر منقطع و پراکنــده و بیارتباط بازســازی میکند و جهان واقعی برایش بیگانه و بیارتباط جلوه میکند. در خروج از ارتباط و زاویه گرفتن در انزوا، همزیستی مسالمت آمیز و مسئولانه با پرتگاه بی تفاوتی و بدتر از

آن نفرت نسبت به مربیگانه تهدیدمی شود. ۴-راه غلبه بربیگانگی، انزواو خشونت طلبی که اشکال حادش در جنگهای مولکولی امروز به شدت به چشم می آید، بر خورد حذفی بار سانه های دیجیتال و تبلیغ شعار آمیز کتابخوانی نیست برای راه جستن ، یافتن راهحلهای منطقی، نیازمند محتوای تازه ریسی را در سانههاهستیم که با ابزار قوی دیجیتال بخش مهمی از این کهکشان با جذابیتهایش قدرت فرم نادن به اذهان را افزایش بخشد. برای تولید چنین نابلیتهایی نیازمند به مشارکت اذهان خلاق و ناشناختهاى هستيم كهاستعداد آنها درجامعه ب و بی تفاوت نســبت به جانهای خلاق و مســئول از رای فعالیت باز میماند و حل مسائلی از این دست را

بی رسی کرد. بی ارتباط بازیست جهانش می شمارد. محتوا بخشیدن به رسانه های بســ به سرعت دگر گون شونده، صرفا از طریق جامعهای باز و مشارکت جو تأمین می شود. جامعهای که برای حلُ مشکّلاتش آخرین منطقه تُلاش و کوشش خُود اِبه حذف و برخور داختصاص می دهد. جامعه ای که رابه حذف و برخورداختصاص می دهد. جامعای که باور داردهر جا پرسشسی طرح می شدود دو مساله رخ می دهد. حتمار امحلی در نقطای که اکنون پدیدار نیست سوسومی زند. در زست. یست و سو می رست و منزلت افراد به عنوان عاملان موثر و نه مقصر باز شناسی می شـود، راه حلها در کاستن مشـکلات و آلام به تدریج یافته خواهد شـد. رشد کتابخوانی محصول چنین زیست بومی خواهد بود و در کهکشان دیجیتال نیز جایگاه رفیعش را حفظ



رودخانهتوىدشتمىچرخيد

حامداسماعيليون

تنش زار میزد. کنج دیوار ایســتاده و زلزده بــود به زمین. صـورت درشــتی داشت با ابروهای پر پشت و بینی بزرگی که افتاده بود در فاصله اندک دو چشــم. ر به سبخ با موهای سیخسیخ کوتاه و آ به موهای سیم سیم موده و گردنی باریک بر تنه ای لاغر چون گنجشکی لندوک پاهایش به نازکی پاهای لکلکی بود که در همان لکلکی بود که در همان

کت نیمدار قهـوهای به

حوالتی بر بامی شیپروانی نوک میزد. انگار همین حالاسسر بزرگش از ارتفاع آن تن نحیف به پایین بلغزد. هرچه التماس کــرده بود که او را هم باخود ببرند کســـی خیالش نبود. اتوبوسی که برادرش، حاج آقا ریاحی و بقیه بچههای مسجد را به طرف گنبدمی بردزوره کشان راه افتادوخاکی به هواکرد و در پیچ جاده ناپدید شد. دور دست را که می دید



رودخانه باریک گاماســـ

که تسوی دشت می چرخیدو جلومی رفت. همین چند روز

پیش بود. با بچهها و حسین آمده بودند لب رودخانه. همان جاکه دو شاخه میشد و بین

ب که توسط که هی ستو بین شاخه ها جزیره کوچکی سر بیرون آورده بود و بهرنگ اصرار داشت با شناخودش را به آن جا

برساند جزيره كُوچكُ بودشايد سه چهار متر. حسین می گفت:

پسرجانُ.شنانمیخواهدچهار قدم کهبرداریمیرسی.بهرنگ

می گفت: ببین ببیس بابا. آب رسیده تا این جا. و دستاش را می گذاشت جلوی

ــينهاش.پابلندی می کردو نفساش از سرمای

آب حبس شــده بود. سینا را می دید که آن گوشه نشسته و دار داز کیسه نایلونی همراهاش طعمه در

میآوردوُسرُ قلُابَمیزِند. برشیازرمانگاماسیابماهیندارد

ت. آبحبس

چالش کتابخوانی در فضای دیجیتالی

، به کتاب و کتابخوانی شبكههاى بسيار ، به بيننده امكاني مي دهد تااز كانالي

> می واندگرز رمینهٔ پاسخوبه رانند کتابخوایی نابر ندارد. و به خطمشی هایی منجر شود که وری آوری به کتاب و کتابخوانی را دامن می زند و موجب از تقایش شود. این مقاله فرض را برا ران می گذارد که اهمیت رسسانه کتاب بر خواننده آشکار است و نیاز به عرضه استدلال نسارد، تنها به ذکر این نکته در باب کتاب بیسنده ندارد تنها به دفر این ندانه در باب نتاب بسنده می کند که این رسانه، جهانی غیر فردی می آفریند یعنی فرد را از انزوای خود خارج می سازد و به میدان گفتر و کو از تباط تفاهمی دعوت می کند منظور از کتاب تولیدی از فرآوردهای خلاق فکری است که در قالب نوشتاری منسجه، در که مار از خود و جهان

می گستراندو تازهمی کند. ۲-کهکشان دیجیتال و فضای مجازی در حیطه











تجاوز،تجاوزاست

آرشخيرانديش | فعال محيط زيست |

شکل گیری هریک از اتفاقات در فضای شهری و به طور کلی جامعه، فارغ از این که آنها را به خوب ر ... و بد تقسیم کنیم، نیازمند وجود تعداد زیادی از علتهاست آنچه در این مدت و طبی این روزها ذهن مرا بیش از سایر اتفاقات به خود مشغول کرده، برخوردی است که افراد جامعه ایرانی نسبت به حقوق دیگران از خود نشان می دهند. ممکن است برخی افراد گمان کنند رعایت نکردن حقوق دیگران امری طبیعی است یا لااقل در جامعه ما به رفتار عادی و همیشگی مبدل شده اما قضاوت درنهایت بروز چنین رفتاری در یک جامعه به امری به اصطلاح عادی تبدیل شود.

بهتر است برای حل ایس: برسیش و واکاوی علتهـَــای به وجــود آورنــده چنیـــن مع نتیجه کار شروع کنیم. بنابراین، این سوال مطرح می شـود که رعایت نکردن حقوق دیگران به چه نتیجهای خواهد انجامید؟ بخشی از نتایج حاصله از ایسن رفتسار، در جامعه، محیط شهری و حتی محیطزیست بسروز می کنند. افزایسش آلودگی محیطزیست به وسیله فعالیتهای انسانی، محیطزیست به وسیله فعالیتهای انسیانی، رعایت نکــردن حق تقدم در رانندگــی (در فضای درون شهری و برون شهری) و به طور کلی دور زدن قانُون ازجمله مشكلاتی هستند که می توانیم بروز آنهار انتیجه فر آیندی به نام اهمیت ندادن به حقوق

دیگران بدانیم. امروز، دیروز، پریروز و احتمالا فردا بههمین اتفاق می اندیشم. تغییر کاربری هایی که این روزها همه از کم و كيف أنْ آگاهي پيداكردهايم به ديگر مشخوليت

شهرهای شمالی کشور سفر کردم. تغییرات نسبت به گذشــته محســوس بود. زمینهایی که تا پیش از این کاربری کشــاورزی داشتند، خالی از پوشش گیاهی شده بودند و گرد و خاک حاصل از خاکبسرداری جایگزین طبیعت

. نكته حالب أن كه تمام ان اتفاقات ا: سوء اف اد خت جنبین که تمام بین اعتداد از سوی طرات خاص می افتد. برای بررسی قبیت بودن چنین اتفاقی اصلا لازم نیست دانشـجوی کشاورزی یا محیطزیستباشید. همه ما میدانیم قرارگیری زمین در منا

مختلـف (به لحـظ پسّـتی و بلنــدی و فاصله از سـطح دریا، نزدیکی به کوه و..) براساس کاربری أن زمينها اتفاق مى افتد بنابر اين براى تغيير ناگهانی کاربری زمینها و افزایش بافت مسکونی در منطقهای خاص، نمی توان نامیی جز تجاوز را ۔ر استفادہ کر د

تجاوز، تُجـاوز اسـت. تفاوتی نمی کنــد که به محیط زیست باشد یا به انسان. همه مانیک می دانیم تجاوز صفت قبیحی است. تمام این حرفها را زدم تا بگویم همه اتفاقات بدی که در عرصه را راهم بهویهم هست. اعدات بدی که در محیط پیرامونمان شاهدش هستیم از رعایت نکردن حقوق دیگران شروع می شود. خودخواهی و خودپسندی تا آن جا در میان

خُودخواهُی و خُودپسـُندی تا اُنجــا در ما آدمیـــان افزایش یافته که اصلا به حق داش دیگران نمی اندیشیم. گویی تمام زمین و زمان موظفند اسباب آرامش و آسایش ما را فراهم کنند، بنابراین به جای داراً بودن حقّ، در مُقابلُ ما





اشارہ اصلی بیت بالا، پنھان کر دن راز ھان ر نظر حافظ، وقتی غیر بهسمت شــما آمد، رازها را پنهان کنید چراکه نباید نامحرم از رازهای شــما ما أمد، رازها را مُطلع شود. فرهنگ ایرانی در گُسُـتُره تاریخ (بنا بهدلایل متعدد)به فرهنگ پنهانکاری تبدیل شده ـــتره تاریخ (بنا

حدیث مشــهور حضرت علی(ع) خود گواه این موضوع است. آنجا که می فرماید: «استر ذهابک و ذُهبک و مذهبک». ۳ چیز رُامخفی بُدار و هر جایی مگو: رفتوآمیدت را (مقصد)، داراییات راو دیدگاههایت را. دلیل چنیس حدیثی را باید ر ر ... در نامطمئن بودن فضای اجتماعی جستوجو کرد. در جوامع امروزی، انســانها اصلا در جامعه ا کساس امنیتی ندارند که بخواهنداز رهگذر آن رازهایشان را با دیگران درمیان بگذارند. خیلی از افُراد می گویند، رازداری یکی از مثبت ترین صفات آدمی است. می خواهم از وجه دیگری به این صفت بنگرم. رازداری تحتشرایطی میتواند از بدترین م باشد. خیلی از افراد و خم جوامع به بهانه رازداری، بدتریسن اتفاقاتی که در

جوامع به پهنه رازفاری، بدریــن انفاقایی نه در طول سال ها بر ســر مردمان یک سرزمین آمده را پرده پوشیــهی کنند. در حالی که اگر چنان اتفاقاتی در عرصه عمومی علنی میشد، می توانســتیم امیدوار باشیم سایر آدمیــان از ایــن اتفاق پنــد بگیرند یکبــار دیگر



نواهد کرد. خواهد کرد.

دنیایخاکستری

چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس 💎 سر پیاله بپوشان که خرقه پوش آمد

به مثبــت یا منفی بــودن صفاتی چــون رازداری

چه اتفاقی باعث میشود برخی افراد از رازداری که فی ذاته صفت مشروی است سواس را رصوری که فی ذاته صفت مثبتی است سواستفاده کرد و درصدد پنهانسکاری در مورد حرکات زشت و ناپسند خود یا نزدیکانشان باشند؟ نظر من این است که همه صفات در سر جای خود خوب هســـتند. آن گونه که ســُعدیُ می گوید: ْانکویُی با بدان کردن چنان اســـت/که بد کردن به جای پهای عرص چین معتقدند قبل از رسیدن نیک سردان». برخی معتقدند قبل از رسیدن موفقیت نباید درباره جزییات کارتان با دیگران سخن بگویید.

ز سَــوی دیگر برخی هم هستند که می گویند. از سوی دیدار برخی هم هستند که می کویند. وقتی به موفقیت را بسیدن به هدف دیگران هم باتر بو آنها را برای رسیدن به هدف تشمیری کی اما بهراست یی کنام را باید بذیرفت؟ حضرت بفقوب به بسرش بیوسف گفت دیا پذیر تقصی رُواناک نقلی اختونکه بسرش جو خوابهایت را رای براوان تدوین کنامی اختراک بسرش جوابهایت داری برخی کنامی بنادراین در برخی مُوارُد تعریفُ کردن اتفاقات و راّزهای ُشخّصی بُرای دیگران مذموم است.

در عین حال موارد دیگری هم وجود دارند که در آنها بایدافکار تــان را با دیگران درمیان بگذارید و با آنها همفکری کنید.از دیدگاه من، هیچ صفتی ر. علی اطلاق خیر یا شر نیست. خیر و شر بودن را موقعیت، زمــان وقوع و در همراهی بــا افراد دیگر بودن یانبودن تعییت می کنند. آن گونه که حافظ می گوید: امی گرچه حرام است ولی تا که خورد/ آنگه به چه مقدار خورد با که خوردا.



مدار س مترو که ایمان،مبعث و کو ثر در محل تلاقی دو خیابان مالک اشتر و دستغیب در بنطقه ۱۰ شهر داری تهران که حدود یک سال به محل تجمع بی خانمان ها،معتادان و اراذل



